

عصر تازه همکاری گزینشی تهران-مسکو

رحمن قهرمانپور، تحلیلگر ارشد مسائل سیاست خارجی در گفتوگو با «اعتماد» مطرح کرد

محسن برهانی | توافق امنیتی-اطلاعاتی تهران و مسکو که تقریباً همزمانی داشت با سفر اخیر ابراهیم ریسی به روسیه و همچنین رسانه‌ای شدن ورود جنگده‌های روسیه به کشورمان، تحلیل‌ها درباره آینده همکاری نظامی ایران و روسیه بالاخص در شرایطی که خاورمیانه درگیر پسرزده‌های جنگ در غزه است را افزایش داد. گروهی از ناظران ضمن اشاره به گفتمان مشترک تهران-مسکو و پکن از تشکیل ائتلاف احتمالی میان سه بازیگر در برابر غرب می‌گویند، اما بخش وسیعی از تحلیلگران باور متفاوتی دارند. در همین راستا و به بهانه توافق اخیر میان تهران و مسکو، روزنامه اعتماد با رحمن قهرمانپور، تحلیلگر برجسته مسائل سیاست خارجی گفتوگو داشت. قهرمانپور ضمن رد هرگونه سناریویی حول محور تعریف ائتلاف ادعایی میان سه بازیگر از همکاری گزینشی روسیه و ایران گفت.

گفته می‌شود توافق امنیتی بین ایران و روسیه منعقد شده؛ توافقی که به باور گروهی از ناظران ذیل قرارداد 20 ساله ایران و روسیه قابل تبیین است. با لحاظ کردن این گزاره و قرار دادن آن در کنار سفر آقای ریسی به مسکو و همچنین اظهارات سیدمهدی فرحی، جانشین وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در باب ورود سوخوها و جنگده‌های روسیه، آینده همکاری نظامی تهران و مسکو را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بعد از جنگ اوکراین روابط ایران و روسیه وارد فضای جدیدی شده؛ قبل از جنگ، تمایل ایران برای رابطه با روسیه بیشتر بود ولی به دلیل ملاحظات مسکو در مقابل غرب امکان نزدیکی رابطه (آن‌گونه که باید) وجود نداشت، اما بعد از جنگ و تحریم‌های غرب و متحدانش علیه

مسکو، فضا برای ما نور روسیه تحت رهبری پوتین کمتر شد. در چنین شرایطی روسیه در جستجوی بازیگرانی است که نمی‌توانند روابط نزدیکی با غرب و به نوعی مخالفین مسکو داشته باشند، رابطه نزدیک میان تهران و مسکو در این قاب قابل تبیین است. روسها در فاز جدید روابطشان با تهران، نگرانی‌های گذشته را ندارند، دغدغه‌هایی چون در صورت نزدیکی تهران به غرب، کرملین باید از چه رویکردی پیروی کند.

به باور شما، جنگ اوکراین دلیل نزدیکی تهران و مسکو بود؟

نه لزوماً، روسیه در گذشته همواره بر این باور بود که طرفداران غرب در داخل ایران نیروهای سیاسی قدرتمند و فعالی هستند، اما بعد از حمله روسیه به اوکراین این کشور گزینه‌های متعددی نداشت و از طرفی یک‌دست شدن حاکمیت در ایران و به قدرت رسیدن اصولگرایان فضایی را در مسکو فراهم کرد که آنها بیشتر از گذشته به دنبال بهبود روابط با تهران باشند که نشانه‌های آن را ما در همکاری نظامی ایران و روسیه و وعده هواپیماهای نظامی روسیه دیدیم. حال تداوم این روابط و گسترش آن بسیار بستگی به تحولات داخلی ایران و نحوه اتمام جنگ اوکراین و روابط روسیه با غرب دارد.

با توجه به گزاره‌هایی که بیان کردید، ما قبل از شروع جنگ حماس و اسرائیل شاهد سیگنال‌هایی انتقالی میان ایران و آمریکا بودیم، به عنوان نمونه، مساله آزادی زندانی‌های دوطرف و دسترسی ایران به اموال بلوکه شده، گروهی از ناظران در آن بازه زمانی بر این باور بودند که تعامل ضمنی تهران و واشنگتن مقدمه‌ای است برای شروع دوباره مذاکرات دو طرف درباره برنامه هسته‌ای ایران. چنین گزاره‌ای همزمانی داشت با انتقاد مخالفان بایدن از افزایش صادرات نفتی ایران. این گروه باور داشتند که به واسطه آنکه بایدن از کمپین فشار حداکثری دست کشیده و روی صادرات ایران چشم بسته، درآمدهای نفتی کشورمان افزایش یافته است. حال تعامل ایران بین دو زمین و غرب و شرق بعد از جنگ غزه کمتر شده یا ما از آن بی‌خبریم.

طبیعتاً آمریکا بعد از جنگ غزه تمرکزش بر اتمام این جنگ و مدیریت پیامدهای آن هست ولی اینکه جنگ غزه چه تاثیری بر جهت‌گیری کلان سیاست خارجه آمریکا خواهد گذاشت یا نه، همچنان نامشخص است. اگر جنگ غزه کنترل شود و دامنه‌اش به منطقه سرایت نکند، آمریکا بعد از جنگ به سیاست پیشین خود در ارتباط با ایران متوسل خواهد شد و مساله هسته‌ای ایران نیز در دستور کار طرفین قرار خواهد گرفت. اما اگر جنگ ادامه پیدا کند یا به نوعی خاورمیانه را در بر بگیرد،

مثلا اسراییل بخواهد شمال غزه را به سرزمین‌های تحت اشغالش اضافه کرده یا به عملیاتی قریب‌الوقوع در جنوب دست بزند، آن وقت نوعی عدم قطعیت به وجود خواهد آمد؛ چون ممکن است امریکا حداقل در يك سال آینده درگیر جنگ غزه باشد. در این شرایط طبیعتاً زمانی برای پرونده هسته‌ای ایران ندارد و وضع موجود نیز ادامه خواهد داشت. وضع موجود یعنی امریکا از فروش نفت ایران چشم‌پوشی خواهد کرد، تلاش خواهد کرد تا با توسل به اهرم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در باب توقف پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران، فشار وارد کند. در نتیجه پاسخ سوال شما بستگی به زمان و نحوه اتمام جنگ غزه، گستره جنگ، تحولات داخلی اسراییل، پیامدهای منطقه‌ای جنگ غزه و عواملی از این قبیل دارد.

امروزه می‌توان گفت که جنگ غزه نوعی درگیری غیرمستقیم ایران با امریکا و اسراییل (نبرد محور مقاومت حامی ایران با اسراییل و غرب) است. از طرفی با افزایش حملات انصارالله به دریای سرخ و باب‌المندب و حملات راکتی به استان الانبار عراق احتمال گسترش جنگ نیز وجود دارد. در چنین شرایطی رویکرد امریکا در برابر ایران و توسل به نهاد پادمانی صرفاً برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای کشورمان، از منظر غرب و تحلیلگران امریکایی نوعی انفعال دولت بایدن محسوب نمی‌شود.

باید توجه داشته باشیم که هم ایران و هم امریکا نمی‌خواهند دامنه جنگ افزایش پیدا کند و ایران در ابتدا نیز اعلام کرد که در جریان این حملات نبوده و قرار نیست وارد جنگ بشود که این نکته بسیار مهمی است. درست است که انصارالله در دریای سرخ، کتائب در عراق یا حزب‌الله لبنان در شمال درگیر نبردهایی محدود هستند، ولی تمامی حملات نقطه‌ای و قابل کنترل است و امریکا هم متناسب با آن واکنش نشان خواهد داد. این شرایط براساس ادبیات جنگ این‌گونه تفسیر می‌شوند که طرفین به دنبال افزایش پلکانی سطح درگیری نیستند. توجه کنید که يك ماه پیش محور مقاومت در سوریه عراق و... به مواضع امریکایی‌ها حمله کردند و امریکایی‌ها نیز متناسب با آن حملات پاسخ دادند. در این بین خویشتنداری طرفین هم به خاطر هزینه‌هایی است که دو طرف متحمل خواهند شد؛ امریکا از این بابت که کنترل خاورمیانه را از دست خواهد داد و ایران هم از بابت پیامدهای اقتصادی گسترده درگیری که بسیار فراتر از آن چیزی خواهد بود که دولت بتواند کنترل کند، از رویکرد بازدارندگی پیروی می‌کنند. پس در افق موجود احتمال گسترش منازعه را جدی نمی‌بینم با این همه، بخشی از تحولات

به اسرائیل منوط است که چقدر زیرساخت‌های حماس را هدف قرار دهد، یا مرتبط خواهد بود به نقش‌آفرینی قطر و برنامه اسرائیل برای غزه پسا جنگ.

به نظر می‌رسد که روسیه از جنگ غزه و درگیری آمریکا در خاورمیانه در حال بهره‌برداری به نفع خودش است چون به واسطه جنگ اسرائیل و حماس، غرب از درگیری‌ها در اوکراین منحرف شده و ممکن است کمک‌های نظامی پیشین در اختیار کیف قرار نگیرد. حال اگر مسکو بسان جنگ سوریه به صورت ضمنی یا در سایه درگیر نزاع کنونی شود آیا ایران هم با این بازیگر هم‌صدا خواهد شد یا خیر.

این سناریو محتمل نیست. روسیه و اسرائیل مخصوصاً شخم پوتین و نتانیاهو روابط نزدیکی دارند و بیش از یک میلیون نفر از یهودیان روسیه در اسرائیل ساکن هستند. علاوه بر این حزب بیتنا در پارلمان هم عمدتاً روس تبارهای ساکن اسرائیل هستند. اسرائیل علی‌رغم فشارهای غرب برای ارسال گنبد آهنین به اوکراین، زیر بار نرفت و به کمک بشردوستانه برای کیف اکتفا کرد، آن‌هم در شرایطی که آمریکا از متحد نزدیک خود، بازیگرانی چون ژاپن و کره جنوبی انتظار داشت به اوکراین کمک کرده و تسلیحات نظامی در اختیارش قرار دهند. امروز مساله اوکراین فراموش نشده، اتحادیه اروپا اخیراً اعلام کرد که بسته جدید حمایتی برای اوکراین لحاظ کرده و مذاکرات برای پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا را دنبال خواهد کرد. از طرفی قبل از جنگ غزه و بعد از گرفتن باخمت توسط گروه واگنر جنگ این دو کشور به یک ثبات و بن‌بست رسیده بود؛ روسیه استحکاماتش در باخمت را محکم کرده و بیش از این پیشروی نمی‌کند و اوکراین هم توان برداشتن گام‌هایی بیشتر را ندارد.

ولي شواهد نشان مي‌دهد آينده جنگ در اوکراين به سرنوشت جنگ در غزه منوط شده است؟

طبیعتاً تاثیرگذار هست. همه چیز تا حد زیادی بستگی به این حقیقت دارد که جنگ تا کجا پیش برود؛ اما این سناریو که جنگ غزه تبدیل به تقابل میان آمریکا و اسرائیل و متحدانش علیه روسیه و ایران و... خواهد شد بسیار دور از ذهن است. اساساً چین همراهی لازم با روسیه را ندارد تصور اینکه اتحادی بین روسیه، ایران و چین تعریف شود، غلط است این سه بازیگر صرفاً می‌خواهند آمریکا را تضعیف کنند، ولی فراتر از این تعهدی به هم ندارند؛ نه چین از روسیه در آن سطح استراتژیک دفاع کرده نه روسیه از ایران. هر کشوری ملاحظات خودش را

دارد. در باب مساله قفقاز ايران تلاش كرد تا روسيه را با خود همصدا نكند اما نتوانست. نه روسيه و نه چين اعتقادي به اتحاد از نوع اروپايي ندارند و شما در متون استراتژيك روسها هم مي بينيد كه اين کشور دوستان زيادي ميخواهد اما تعهدي نمي پذيرد و به دنبال نوعي همكاري گزينشي هستند. مثلا شما ارمنستان را ببينيد كه امروزه در حال نزديك شدن به امريكا و فرانسه است و از فرانسه هم تسليحات گرفته است. ارمنستان تا به امروز متحد درجه اول روسيه بود ولي در ميانه درگيري ايروان و باكو، انفعال مسكو موجب نزديكي ارمنستان به محور غرب شد. پس تصور اينكه روابط ايران و روسيه استراتژيك است و دو بازيگر در همه زمينهها همكاري خواهند كرد دور از ذهن است، چراكه اراده لازم در مسكو و تهران وجود ندارد و شرايط هر دو در نظام بينالملل متفاوت است. تنها فصل مشترك ايران و روسيه آن است كه ميخواهند نظم بينالمللي ليبرال مورد حمايت امريكا تضعيف شود اما در مورد آينده آن ايده يكدستي ندارند.

م: ۰۰۰۰۰۰۰۰ : ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ 27 ۰۰۰ 1402 ۰۰۰۰۰۰۰۰